

Submit Date: 27 December 2025

Revise Date: 03 May 2026

Accept Date: 10 May 2026

Publish Date: 18 May 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Comprehensive Examination of Crime Prevention in the Qur'an and Its Reflection in Afghanistan's Criminal Laws

Hedayatollah Nabipour¹, Mahmoud Habibitabar^{2*}, Mahdi Esmaeli²

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: 0385947801@iau.ac.ir

ABSTRACT

The present study aims to elucidate the position of crime prevention in the Qur'an and to comparatively examine its reflection during two periods of Afghanistan's legal system: the 1976 Penal Code and the laws currently in force under the Islamic Emirate after 2021. Employing a descriptive-analytical method and a qualitative approach, the study examines Qur'anic verses, the 1976 Penal Code, and a collection of recent decrees, rulings, and regulatory codes issued by the Islamic Emirate. The findings indicate that the Holy Qur'an, through its emphasis on concepts such as enjoining good and forbidding evil, averting probable harm, learning lessons from consequences, and family upbringing, establishes a comprehensive six-level system of crime prevention. The comparative analysis demonstrates that although the 1976 Penal Code was inspired by many Qur'anic teachings, the relevant preventive institutions and mechanisms were designed in a fragmented manner and without a coherent framework. By contrast, the Islamic Emirate's recent regulations—such as the decree establishing the Security and Purification Commission, the decree concerning background investigation and fact-finding, and the Penal Code of Regulations—seek to operationalize a Sharia-based preventive system through the institutionalization of security surveillance, the criminalization of ideological and cultural preliminaries to criminal conduct, and the integration of judicial and military institutions. This new approach has transformed crime prevention from a predominantly judicial and rehabilitative strategy into a security-oriented and cultural strategy aimed at preserving the integrity of the governing system. The study concludes that establishing an effective preventive system in Afghanistan requires achieving a balance between the supervisory and protective approach of the new legal order and the principles of human dignity and citizens' rights—an objective that currently faces substantial challenges.

Keywords: crime prevention, Holy Qur'an, Afghanistan's criminal laws, enjoining good and forbidding evil, security measures.

How to cite: Nabipour, H., Habibitabar, M., & Esmaeli, M. (2026). Comprehensive Examination of Crime Prevention in the Qur'an and Its Reflection in Afghanistan's Criminal Laws. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(1), 1-21.



تاریخ ارسال: ۶ دی ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ چاپ: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

بررسی جامع پیشگیری از جرم در قرآن و بازتاب آن در قوانین کیفری افغانستان

هدایت‌الله نبی‌پور^۱، محمود حبیبی تبار^{۲*}، مهدی اسماعیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: 0385947801@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه پیشگیری از جرم در قرآن و مقایسه تطبیقی بازتاب آن در دو دوره از نظام حقوقی افغانستان (قانون جزای ۱۳۵۵ و قوانین نافذ امارت اسلامی پس از ۱۴۰۰) انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی کیفی، به بررسی آیات قرآن، قانون جزای ۱۳۵۵ و مجموعه‌ای از فرامین، احکام و اصول‌نامه‌های جدید امارت اسلامی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم با تأکید بر مفاهیمی مانند امر به معروف و نهی از منکر، دفع ضرر محتمل، عبرت‌آموزی و تربیت خانوادگی، یک نظام شش‌سطحی و جامع برای پیشگیری از جرم ترسیم کرده است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که اگرچه قانون جزای ۱۳۵۵ از بسیاری از آموزه‌های قرآنی الهام گرفته است، اما این نهادها به‌صورت پراکنده و بدون چارچوب منسجم طراحی شده‌اند. در مقابل، قوانین جدید امارت اسلامی (همچون فرمان ایجاد کمیسیون امنیتی و تصفیوی، فرمان کشف‌الحال و اصول‌نامه جزایی)، با نهادینه‌سازی نظارت امنیتی، جرم‌انگاری مقدمات فکری و فرهنگی، و ادغام نهادهای قضایی و نظامی، به دنبال تحقق عینی یک نظام پیشگیرانه مبتنی بر شریعت هستند. این رویکرد جدید، پیشگیری از جرم را از یک راهبرد صرفاً قضایی-اصلاحی به یک راهبرد امنیتی-فرهنگی برای حفظ یکپارچگی نظام تبدیل کرده است. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که تحقق یک نظام پیشگیرانه کارآمد در افغانستان نیازمند ایجاد تعادل میان رویکرد نظارتی و تأمینی نظام جدید با اصول کرامت انسانی و حقوق شهروندی است؛ امری که در شرایط کنونی با چالش‌های جدی مواجه است.

کلیدواژگان: پیشگیری از جرم، قرآن کریم، قوانین کیفری افغانستان، امر به معروف و نهی از منکر، تدابیر امنیتی.

نحوه استناددهی: نبی‌پور، هدایت‌الله، حبیبی تبار، محمود، و اسماعیلی، مهدی. (۱۴۰۵). بررسی جامع پیشگیری از جرم در قرآن و بازتاب آن در قوانین کیفری افغانستان. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۱)، ۱-۲۱.



جایگاه پیشگیری از انجام جرم را در قرآن و قوانین کیفری افغانستان تبیین کرده و راهکارهایی برای تقویت آن ارائه دهد. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده در حوزه پیشگیری از جرم در افغانستان، عمدتاً بر پیشگیری وضعی، اجتماعی و کیفری متمرکز بوده‌اند. انصاری و اصغری (Ansari & Asghari, 2025) به نقش نهادهای دینی در کاهش جرائم پرداخته‌اند و پوپل و همکاران (Popal et al., 2023) راهکارهای عملیاتی برای پیشگیری از جرائم بانکی ارائه داده‌اند. اعتمادی (Etemadi, 2023) مبانی جرم‌زدایی در سیاست جنایی اسلام و قوانین افغانستان را بررسی کرده و کریمی‌نیا و فصیحی (Kariminia & Fasihi, 2022) نقش نهادهای نظارتی نوظهور را شناسایی کرده‌اند. روحانی و همکاران (Rohani et al., 2026) به نقش دین در شکل‌دهی الگوهای جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام‌های عدالت کیفری ایران و افغانستان پرداخته‌اند. با وجود این پژوهش‌ها، هیچ‌یک به‌طور اختصاصی به تبیین مفهوم پیشگیری از جرم در قرآن و قوانین کیفری افغانستان نپرداخته‌اند. خلأهای علمی شامل عدم تحلیل تطبیقی میان مبانی قرآنی دفع ضرر محتمل با نهادهای حقوقی مشابه، نبود بررسی نظام‌مند از تدابیر تأمینی در قوانین افغانستان به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم، و عدم ارائه چارچوب نظری یکپارچه برای این نوع پیشگیری است.

شایان ذکر است که این پژوهش در بستر تحولات عمیق نظام حقوقی افغانستان صورت می‌گیرد. پس از استقرار مجدد امارت اسلامی در سال ۱۴۰۰، ساختار قضایی کشور بر اساس مجموعه‌ای از فرامین، احکام و اصول‌نامه‌های جدید بازتعریف شد. «فرمان عالی‌قدر امیرالمؤمنین در مورد انحلال محاکم عسکری و تمرکز آن در ستره محکمه» (حکم شماره ۱۵۵۸۷) و همچنین «اصول‌نامه جزایی امارت اسلامی» که در تاریخ ۲۲ می ۲۰۲۳ در جریده رسمی منتشر شد، نشان از عزم نظام جدید برای یکپارچه‌سازی و اعمال

حقوق کیفری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق عمومی، همواره با چالش تعادل میان آزادی‌های فردی و امنیت جمعی مواجه بوده است. در این میان، مفهوم پیشگیری از جرم، به‌عنوان راهبردی فراتر از واکنش صرف به جرم، در دهه‌های اخیر مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است. این رویکرد که مبتنی بر شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات پیش از وقوع جرم است، در شریعت اسلامی نیز ریشه‌های عمیقی دارد. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی شریعت، با تأکید بر مفاهیمی مانند امر به معروف و نهی از منکر، دفع ضرر محتمل، جهاد و مبارزه با فتنه و عبرت‌آموزی، چارچوبی جامع برای پیشگیری از جرم و فساد پیش از وقوع آن ترسیم کرده است. نظام حقوقی افغانستان که تلفیقی از شریعت اسلامی (به‌ویژه فقه حنفی) و قوانین موضوعه مدرن است، از این ظرفیت‌های قرآنی بهره گرفته است.

پیشگیری از جرم، به مجموعه اقدامات قانونی، نظارتی و اجرایی اطلاق می‌شود که با هدف شناسایی، ارزیابی و خنثی‌سازی تهدیدات و خطرات پیش از آنکه به جرم بالفعل تبدیل شوند، صورت می‌گیرد (Melander, 2023). این نوع پیشگیری فراتر از پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی است و بر اقدامات مبتنی بر تشخیص خطر محتمل و نظارت پیشگیرانه متمرکز می‌شود. در نظام‌های حقوقی مختلف، این مفهوم در نهادهایی مانند بازداشت موقت، تدابیر امنیتی، کنترل مرزی، نظارت بر اشخاص پرخطر و جرم‌انگاری رفتارهای مقدماتی تجلی یافته است (Durojaye, 2024). با این حال، در حقوق کیفری افغانستان، این مفهوم به‌صورت نظام‌مند تعریف و تبیین نشده است و اقدامات پیشگیرانه موجود عمدتاً در چارچوب تدابیر امنیتی و واکنش به خطر بالفعل طراحی شده‌اند. این پژوهش درصدد است تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع قرآنی و قوانین موضوعه،

صریح احکام شریعت در تمامی ارکان قضایی دارد. لذا، بررسی جایگاه پیشگیری از جرم در قوانین کیفری افغانستان، بدون در نظر گرفتن این تحولات بنیادین، تصویر کاملی را ارائه نخواهد داد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که نظام کیفری قبلی و نظام کیفری حال، هر دو تا چه اندازه با مبانی قرآنی و شریعت اسلامی همخوانی دارند و نقاط افتراق و اشتراک آن‌ها کجاست؟

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را نخست باید در سطح نظری جست‌وجو کرد. با وجود پژوهش‌های گسترده در حوزه پیشگیری از جرم در نظام‌های حقوقی غربی و حتی برخی کشورهای اسلامی، مطالعه‌ای که به‌طور اختصاصی به تبیین مفهوم پیشگیری از جرم در قرآن و قوانین افغانستان بپردازد، تاکنون انجام نشده است. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی شریعت، حاوی آموزه‌های غنی در زمینه پیشگیری از جرم و فساد است که نیازمند استخراج و نظام‌بخشی است. این پژوهش می‌تواند خلأ نظری موجود در ادبیات حقوق کیفری افغانستان را پر کرده و چارچوبی مفهومی برای تحلیل این نوع پیشگیری ارائه دهد. همچنین، با تحلیل تطبیقی مبانی قرآنی و قوانین موضوعه، می‌تواند به هم‌افزایی این دو منبع حقوقی و رفع تعارضات احتمالی کمک کند. این پژوهش از منظر روش‌شناختی نیز نوآورانه است، زیرا برای نخستین بار با رویکردی نظام‌مند، آیات قرآن را دسته‌بندی و با نهادهای حقوقی قوانین کیفری افغانستان تطبیق می‌دهد.

از منظر عملی و سیاست‌گذاری، نظام قضایی افغانستان، با چالش‌های جدی در حوزه پیشگیری از جرم مواجه است. نتایج پژوهش یوسف‌زاد و همکاران (Yosufzad et al., 2025) نشان داده است که تشدید صرف مجازات‌ها نمی‌تواند راه‌حل مؤثری برای جرائم باشد و یک سیاست جنایی بهینه نیازمند رویکردی یکپارچه مبتنی بر پیشگیری، شفافیت، استقلال قضایی و حمایت از افشاگران است. شناسایی مصادیق عینی پیشگیری در قوانین موجود و تحلیل ظرفیت‌های نهادهای نظارتی مانند وزارت امر به

معروف و نهی از منکر، دادستانی، پلیس و نهادهای محلی، می‌تواند به بهبود عملکرد این نهادها و افزایش اثربخشی اقدامات پیشگیرانه کمک کند. همچنین، این پژوهش با ارائه چارچوب نظری مشخص برای پیشگیری، می‌تواند مبنایی برای اصلاح قوانین کیفری و تدوین سیاست‌های جنایی کارآمدتر قرار گیرد و به کاهش جرائم و هزینه‌های ناشی از آن برای جامعه، قربانیان و نظام عدالت کیفری بینجامد.

نظام حقوقی افغانستان تلفیقی از شریعت اسلامی و قوانین موضوعه مدرن است. قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، اسلام را دین دولت اعلام کرده و بر عدم مغایرت قوانین با شریعت اسلامی تأکید دارد (مواد ۲ و ۳). ماده ۱۳۰ قانون اساسی نیز در صورت سکوت قانون، قضات را به رجوع به فقه حنفی ملزم کرده است. با این حال، تجربه عملی نشان داده که صرف این اصول، برای شکل‌گیری سیاست جنایی پیشگیرانه کافی نیست و نیازمند تقنین روشن، نهادهای پایدار و نظام قضایی تخصصی است. قرآن به‌عنوان منبع اصلی شریعت، می‌تواند مبنای منع مقدمات جرم، امر به معروف، تعزیرات و اصلاح تربیت باشد، اما این ظرفیت تنها در چارچوب قانون‌گذاری منظم و ضمانت‌های نظارتی کارآمد خواهد شد. این پژوهش با تحلیل مبانی قرآنی پیشگیری و تطبیق آن با قوانین موضوعه، می‌تواند به تقویت مشروعیت دینی قوانین کیفری و افزایش پذیرش اجتماعی آن‌ها کمک کند. همچنین، با شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی موجود، زمینه را برای اصلاحات قانونی مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگ بومی افغانستان فراهم می‌آورد.

از منظر حقوقی و قضایی، قوانین کیفری افغانستان با چالش‌های متعددی در حوزه پیشگیری مواجه است. قانون جزای افغانستان (مصوب ۱۳۵۵) با وجود شناسایی نهادهایی مانند شروع به جرم (ماده ۲۹)، شرکت در جرم (ماده ۳۹)، اتفاق در جرم (ماده ۴۹)، تدابیر امنیتی (مواد ۱۲۱ تا ۱۴۰)، دفاع مشروع (مواد ۵۷ تا ۶۴) و

ارائه الگوی بومی پیشگیری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و ظرفیت‌های نهادی افغانستان، می‌تواند به تحقق عدالت کیفری، حفظ کرامت انسانی و ارتقای امنیت اجتماعی کمک کند.

مفهوم و ابعاد پیشگیری از جرم

پیشگیری در ادبیات حقوق کیفری به مجموعه اقدامات قانونی، نظارتی و اجرایی اطلاق می‌شود که با هدف شناسایی، ارزیابی و خنثی‌سازی تهدیدات و خطرات پیش از آنکه به جرم بالفعل تبدیل شوند، صورت می‌گیرد (Melander, 2023). این مفهوم در نظام‌های حقوقی مختلف با نهادهایی مانند بازداشت موقت، تدابیر امنیتی، کنترل مرزی، نظارت بر اشخاص پرخطر و جرم‌انگاری رفتارهای مقدماتی تجلی یافته است (Durojaye, 2024). از منظر جرم‌شناسی، پیشگیری با دو رویکرد اصلی پیشگیری وضعی (کاهش فرصت‌های مجرمانه از طریق سخت‌تر کردن اهداف جرم) و پیشگیری اجتماعی (کاهش عوامل جرم‌زا از طریق توانمندسازی جامعه و اصلاح بسترهای اجتماعی) تفاوت دارد (Nur, 2021). این نوع پیشگیری بر اقدامات قانونی-نظارتی مبتنی بر تشخیص خطر محتمل و ارزیابی تهدید تمرکز دارد و با استفاده از اختیارات قانونی، به کنترل و نظارت بر افراد، گروه‌ها یا فعالیت‌هایی می‌پردازد. در حقوق کیفری افغانستان، این مفهوم به صورت نظام‌مند تعریف و تبیین نشده است، هرچند نهادهایی مانند تدابیر امنیتی (مواد ۱۲۱ تا ۱۴۰ قانون جزا) و اختیارات پلیس و دادستانی در قانون آیین دادرسی کیفری، تا حدی به این مفهوم نزدیک شده‌اند.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی کیفی به بررسی جایگاه پیشگیری از جرم در قرآن و قوانین کیفری افغانستان می‌پردازد. داده‌های این پژوهش از دو منبع اصلی گردآوری می‌شوند: منابع کتابخانه‌ای شامل قرآن کریم، متون فقهی مذهب حنفی و منابع حقوقی شامل قوانین موضوعه (قانون جزای ۱۳۵۵، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون اساسی ۱۳۸۲)،

اضطرار (ماده ۹۵)، هنوز چارچوبی منسجم و مشخص برای پیشگیری ارائه نداده است (Amini, 2022). این نهادها به صورت پراکنده و بدون نظام‌بندی واحد در قانون توزیع شده‌اند و در عمل با ابهامات حقوقی و چالش‌های ساختاری مواجه هستند. حقانی و همکاران (Haqqani et al., 2025) نشان داده‌اند که علی‌رغم نقش حیاتی بازداشت موقت در تأمین تضمین‌های دادرسی عادلانه، قانون‌گذار افغانستان به اندازه کافی به تنوع، شرایط و انواع خاص چنین قراردادهایی نپرداخته است. شفاهی و گرایلی (Shafahi & Gerayli, 2023) نیز به ناسازگاری سیاست جنایی تقنینی و قضایی افغانستان در مورد جرائم علیه خانواده اشاره کرده‌اند. این پژوهش می‌تواند با تحلیل دقیق مواد قانونی و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها، به رفع ابهامات قانونی و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود نظام پیشگیری در افغانستان کمک کند.

پیشگیری، با کاهش فرصت‌های مجرمانه و جلوگیری از وقوع جرم، می‌تواند از آسیب‌های اجتماعی و هزینه‌های سنگین ناشی از جرم برای قربانیان، خانواده‌ها و جامعه بکاهد و زمینه‌ساز نظم و امنیت پایدار شود. قرآن کریم با تأکید بر حفظ کرامت انسانی و حریم خصوصی، پیشگیری از جرم را در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و انسانی ترسیم کرده است. در افغانستان که سال‌ها با جنگ، ناامنی، فقر و بی‌ثباتی مواجه بوده، تقویت نظام پیشگیری می‌تواند به کاهش جرائم، افزایش احساس امنیت در میان شهروندان، بهبود وضعیت معیشتی و کاهش بار مالی بر دوش دولت و جامعه کمک کند. رحیمی (Ansari & Asghari, 2025) نشان داده است که نهادهای دینی مانند وزارت امر به معروف و نهی از منکر، با وجود چالش‌ها، ظرفیت‌های قابل توجهی برای پیشگیری از جرم در سطح اجتماعی دارند. همچنین، کریمی‌نیا و فسیحی (Kariminia & Fasihi, 2022) به نقش نهادهای نظارتی در کاهش جرائم اشاره کرده‌اند. این پژوهش با

کتاب و مقالات حقوقی، گزارش‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های مرتبط؛ و منابع اسنادی شامل مطالعه قوانین و مقررات مرتبط، بررسی رویه قضایی موجود و تحلیل محتوای اسناد بالادستی. تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های تحلیل محتوای کیفی و استدلال حقوقی انجام می‌شود. برای تحلیل آیات قرآن از روش تفسیر موضوعی و برای تحلیل قوانین موضوعه از روش تفسیر حقوقی (تفسیر محدود و تفسیر غایی) استفاده می‌شود.

ارکان اصلی پیشگیری

پیشگیری دارای سه رکن اساسی است که شرط مشروعیت آن را در نظام‌های حقوقی تضمین می‌کند. رکن اول، احتمال معقول است که مبتنی بر ادله و قرائن عقلایی است، نه صرفاً وهم و گمان. این رکن به این معناست که اقدامات پیشگیرانه باید بر اساس اطلاعات، شواهد و تحلیل‌های قابل راستی‌آزمایی صورت گیرد و صرفاً یک پیش‌بینی ذهنی یا سوءظن ناموجه نباشد. در قرآن، این اصل در آیاتی مانند «لَا تَجَسَّسُوا» (حجرات، ۱۲) و «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء، ۳۶) بازتاب یافته است که بر لزوم استناد به علم و آگاهی در هرگونه اقدام نظارتی تأکید دارند. رکن دوم، نزدیکی خطر است که به این معناست که تهدید قریب‌الوقوع بوده و فاصله زمانی و مکانی چندانی با وقوع جرم ندارد. این رکن از آیه ۲۵ سوره انفال «وَأَتَّقُوا فَتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» استنباط می‌شود که بر لزوم اقدام پیشگیرانه پیش از گسترش فتنه تأکید دارد. رکن سوم، مستند بودن تهدید است که به این معناست که اقدامات پیشدستانه باید بر اساس مستندات قانونی، شواهد ملموس و ارزیابی خطر انجام شود. قرآن در آیه ۶ سوره حجرات «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» بر لزوم تحقیق و تثبیت اخبار قبل از هرگونه اقدام تأکید دارد. این سه رکن، در کنار رعایت اصولی مانند تناسب، قانونمندی و نظارت قضایی، پیشگیری را از اقدامات خودسرانه و کنترل بی‌ضابطه متمایز می‌سازد.

پیشگیری از جرم علاوه بر سه رکن اصلی، دارای اصول حاکمی است که مشروعیت آن را در نظام‌های حقوقی تضمین می‌کند. اصل تناسب ایجاب می‌کند که اقدامات پیشگیرانه با شدت و میزان خطر متناسب باشد و از حد ضرورت فراتر نرود. در قرآن، این اصل در آیه ۱۹۰ سوره بقره «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» مورد تأکید قرار گرفته است. اصل قانونمندی که در ماده ۲ قانون جزای افغانستان (هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به موجب قانون) و ماده ۲۷ قانون اساسی بازتاب یافته، ایجاب می‌کند که هرگونه مداخله پیشگیرانه باید بر اساس قانون صریح و روشن صورت گیرد. اصل نظارت قضایی نیز تضمین می‌کند که اقدامات پیشدستانه تحت نظارت مرجع قضایی مستقل انجام شود تا از سوءاستفاده و نقض حقوق شهروندی جلوگیری گردد. در حقوق افغانستان، ماده ۱۲۱ قانون جزا که پیش‌بینی می‌کند محکمه وقتی به تدابیر امنیتی حکم می‌کند که حالت مجرم علیه امنیت عامه خطر پنداشته شود، نشان از پذیرش اصل نظارت قضایی در اقدامات پیشگیرانه دارد. با این حال، فقدان معیارهای عینی برای سنجش حالت خطرناک و عدم شفافیت در فرآیندهای نظارتی، از چالش‌های اساسی در این حوزه است.

در حالی که قانون جزای ۱۳۵۵ چارچوبی منسجم برای پیشگیری نداشت، نظام جدید امارت اسلامی با ایجاد نهادهای نظارتی همچون «کمیسیون امنیتی و تصفیوی» (فرمان شماره ۱۲) و «قوماندانی قوای اجرائیه محاکم نظامی» (حکم شماره ۲۲۱۹)، به دنبال نهادینه‌سازی این سه رکن است. در قوانین جدید، اختیارات نهادهای امنیتی در «کشف‌الحال» و بازداشت افراد متهم، به صراحت و بر اساس تشخیص «خطر محتمل» (رکن اول) و «نزدیکی خطر» (رکن دوم) تعیین شده است. برای مثال، فرمان «صلاحیت زندانی نمودن برای کشف‌الحال» (فرمان شماره ۲۹) به مسئولین امنیتی اجازه می‌دهد تا افراد را بر اساس اتهام و احتمال (و نه صرفاً جرم اثبات‌شده) به مدت ده روز بازداشت کنند. این رویکرد، که به دنبال

اما با پذیرش آغاز به اجرای فعل به عنوان نقطه مداخله، به مفهوم نزدیک نشوید قرآنی نزدیک می‌شود. ماده ۳۹ قانون جزا نیز با جرم‌انگاری تحریک، موافقت و کمک در اعمال تجهیزاتی، تسهیلاتی و تکمیلی جرم، زمینه‌های مقدماتی را هدف قرار داده است. ماده ۴۹ قانون جزا (اتفاق در جرم) صرف توافق و اتحاد بر ارتکاب جرم را جرم مستقل دانسته و می‌فرماید: اتفاق در جرم عبارت است از متحد شدن دو نفر یا بیشتر از آن در ارتکاب جنایت یا جنحه معین یا غیر معین... همچنین، ماده ۲۱۳ قانون جزا تشکیل دسته‌های جنایتکاران مسلح را جرم‌انگاری کرده و برای رهبر آن مجازات اعدام پیش‌بینی نموده است. این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان با الهام از آموزه‌های قرآنی، مقدمات و زمینه‌های جرم را هدف قرار داده است.

اگرچه قانون جزای ۱۳۵۵ با موادی چون شروع به جرم (ماده ۲۹) و اتفاق در جرم (ماده ۴۹) رویکرد قرآنی «لا تقربوا» را تا حدی پوشش می‌داد، قوانین جدید امارت اسلامی این دامنه را به‌طور چشمگیری گسترش داده‌اند. در «فرمان مربوط به کمیسیون امنیتی و تصفیوی» (فرمان شماره ۱۲)، مفاهیمی مانند «همکاری با دشمن» و «تخریب‌کننده امنیت» جرم‌انگاری شده‌اند. به‌ویژه در ماده ششم این فرمان، «انتقاد از فرامین امارت بدون دلیل شرعی» به عنوان یک جرم مستقل و مقدماتی تلقی شده که موجب «اخراج از صف» می‌گردد. همچنین، «حکم در مورد جلوگیری از اتهامات بی‌جا بر مسؤولین» (فرمان شماره ۳۵)، نشر شایعات و اتهام‌زنی علیه کارمندان دولت را جرم دانسته و به عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای حفظ انسجام نظام، مقدمات ناامنی روانی را نیز هدف قرار داده است. این سطح از جرم‌انگاری، فراتر از جرم‌انگاری رفتار مقدماتی در قانون ۱۳۵۵ است و به جرم‌انگاری فضای فکری و رسانه‌ای می‌پردازد.

«مستند بودن تهدید» (رکن سوم) نیز می‌گردد، با تأسیس نهادهای تخصصی تحقیق (شعبه تحقیق در اداره عالی محاکم) و کمیسیون‌های ولایتی، شکل رسمی‌تری به خود گرفته است.

پیشگیری از طریق تحریم مقدمات (اصل لا تقربوا)

قرآن کریم با عبارت کلیدی «لا تَقْرَبُوا» (نزدیک نشوید)، یک راهبرد پیشگیرانه بنیادین را ترسیم کرده است که فراتر از نهی از خود عمل، مقدمات و زمینه‌های آن را نیز هدف قرار می‌دهد. در سوره انعام آیه ۱۵۱ می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ یعنی به فحشا، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید. همچنین در سوره اسراء آیه ۳۲ می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ یعنی به زنا نزدیک نشوید که کاری زشت و راهی ناپسند است. این رویکرد، پیشگیری از جرم را از مرحله ارتکاب به مرحله تهیه مقدمات و نزدیک شدن معطوف داشته است. قاعده فقهی «درء المفسدات أولى من جلب المصالح» (پیشگیری از فساد مقدم بر جلب منافع است) از آیه ۲۱۹ سوره بقره استنباط می‌شود که منافع و مضار خمر و میسر را مقایسه کرده و نتیجه می‌گیرد که ضرر آن‌ها از نفعشان بیشتر است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا﴾ (بقره، ۲۱۹). همچنین، سوره اسراء آیات ۳۳ تا ۳۶ به ترتیب از قتل، سرقت، قذف و تجسس نهی کرده و با این کار، یک نظام ممنوعیت‌های پیشگیرانه را پایه‌ریزی نموده است.

قانون جزای افغانستان (مصوب ۱۳۵۵) با الهام از این رویکرد قرآنی، نهادهای حقوقی متعددی را برای جرم‌انگاری مقدمات و رفتارهای پیش از وقوع جرم پیش‌بینی کرده است. ماده ۲۹ قانون جزا، شروع به جرم را این‌گونه تعریف کرده است: شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای فعل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه به نحوی که نظر به اسباب خارج از اراده فاعل آثار آن متوقف یا خنثی شده باشد. هرچند این ماده، مجرد تصمیم به ارتکاب جرم یا اجرای اعمال مقدماتی را شروع به جرم نمی‌داند،

پیشگیری از طریق نظارت عمومی و امر به معروف

قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک سازوکار نظارتی جمعی معرفی کرده و آن را اساس هرگونه اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از فساد قرار داده است. در سوره آل عمران آیه ۱۰۴ می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ یعنی باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت و به معروف امر و از منکر نهی کنند. همچنین، در آیه ۱۱۰ همین سوره، مؤمنان را بهترین امت معرفی کرده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ در سوره توبه آیه ۷۱ نیز این وظیفه را برای همه مؤمنان، زن و مرد، تأکید کرده است: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ سوره مائده آیه ۷۹، ترک نهی از منکر را عامل لعنت و گناه معرفی کرده است: ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ در سوره حج آیه ۴۱ نیز خداوند به کسانی که در زمین قدرت یابند، دستور اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر را داده است. این آیات نشان می‌دهد که قرآن، نظارت عمومی را نه فقط یک حق، بلکه وظیفه‌ای جمعی و ترک آن را جرمی بزرگ معرفی کرده است.

در قوانین کیفری افغانستان، نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر در نهادهای مختلفی تجلی یافته است. مهم‌ترین این نهادها، وزارت امر به معروف و نهی از منکر است که در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر افغانستان، کارکرد حسبه و نظارت عمومی را به عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم به کار گرفته است. هرچند عملکرد این وزارت با چالش‌هایی مانند نقض حریم خصوصی و تفسیرهای سلیقه‌ای مواجه بوده، اما اصل این نهاد بر اساس آموزه‌های قرآنی استوار است. ماده ۱۲۱ قانون جزا (تدابیر امنیتی) با شناسایی حالت خطرناک و اقدام پیشگیرانه، شباهت قابل‌توجهی به نظارت پیشدستانه در امر به معروف دارد. این ماده می‌فرماید: محکمه وقتی

به تدابیر امنیتی... حکم می‌کند که ثابت گردد شخص محکوم علیه مرتکب عملی گردیده است که به حکم قانون جرم شمرده شده و حالت مجرم علیه امنیت عامه خطر پنداشته شود. ماده ۲۳۴ و ۲۳۵ قانون جزا نیز تحریک و تشویق عمومی به ارتکاب جرم را جرم دانسته و مجازات تعیین کرده است که مصداق نهی از منکر در سطح عمومی است. همچنین، اختیارات دادستانی در پیشگیری از جرم طبق قانون آیین دادرسی کیفری، شامل نظارت بر اجرای قوانین و پیشگیری از وقوع جرم می‌شود. این نهادها نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان با الهام از آموزه‌های قرآنی، نظارت عمومی را به عنوان ابزاری برای پیشگیری به رسمیت شناخته است.

با وجود اینکه در قانون ۱۳۵۵ تنها اشاره‌ای به مفهوم نظارت عمومی شده بود، در نظام امارت اسلامی، این نهاد به عنوان یک وزارتخانه فعال و اثرگذار شناخته می‌شود. «فرمان عالی‌قدر امیرالمؤمنین در مورد همکاری با اداره امر بالمعروف و نهی از منکر» (فرمان شماره ۲/۳) و «هدایت در مورد اصلاح موه‌های دراز» (هدایت شماره ۶/۴۸) نشان می‌دهد که نظارت عمومی و پیشگیری از جرم، از سطح یک اصل اخلاقی به یک وظیفه اداری و اجرایی تبدیل شده است. در نظام جدید، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به عنوان یک وظیفه دینی، بلکه به عنوان «یک سازوکار نظارتی و امنیتی» برای پالایش جامعه از مظاهر غیراسلامی و رفتارهای مغایر با شرع تعریف شده است. این رویکرد، جنبه «کیفری» و «پیشگیرانه» این نهاد را بیش از پیش برجسته ساخته و آن را از یک نهاد صرفاً ترویجی به یک نهاد نظارتی و حتی انتظامی تبدیل کرده است.

پیشگیری از طریق عبرت‌آموزی و هشدار

قرآن کریم با عبرت‌آموزی از سرنوشت اقوام پیشین و هشدار از عذاب دنیوی و اخروی، یک سازوکار پیشگیرانه روانی-تربیتی ایجاد کرده است که انسان‌ها را از ارتکاب گناه و جرم باز می‌دارد. در سوره هود، داستان قوم عاد و ثمود (آیات ۵۰ تا ۶۸) به عنوان

مجازات‌ها و ایجاد فرصت دوباره برای محکومان، به نوعی عبرت‌آموزی و بازگشت به جامعه را ممکن می‌سازد. تدابیر امنیتی اصلاحی مانند حجر در درمانگاه‌های امراض روانی (ماده ۱۲۳) نمونه‌ای از پیشگیری از طریق درمان و بازگشت است. همچنین، ماده ۶۴ قانون جزا که به تخفیف مجازات در صورت تجاوز از حدود دفاع مشروع با حسن نیت اشاره دارد، نشان از رویکرد رأفت‌آمیز قانون‌گذار در مواردی است که مجرم از اشتباه خود پشیمان شده است. این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان با الهام از آموزه‌های قرآنی، نظام مجازات‌ها را به گونه‌ای طراحی کرده است که ضمن ایجاد بازدارندگی، زمینه را برای بازگشت و اصلاح مجرم فراهم آورد.

پیشگیری از طریق بازدارندگی و آمادگی دفاعی

قرآن کریم، جهاد را به عنوان یک راهبرد جامع پیشگیرانه مطرح کرده که فراتر از نبرد نظامی، شامل آمادگی دائمی، بازدارندگی از طریق ارعاب و مقابله با فتنه و فساد درونی می‌شود. آیه ۶۰ سوره انفال یکی از بارزترین مصادیق پیشگیری از طریق بازدارندگی است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ یعنی و برای (مقابله با) آنان، هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های ورزیده، آماده کنید تا با این (آمادگی)، دشمن خدا و دشمن خود را به هراس افکنید. این آیه با تأکید بر ارعاب دشمن، اصل بازدارندگی را به عنوان یک راهبرد پیشدستانه مطرح می‌کند. آیه ۲۵ سوره انفال نیز به پرهیز از فتنه و آگاهی از عواقب آن اشاره دارد. سوره محمد آیه ۷ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ یعنی اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. سوره صف آیه ۴ نیز به صف‌بندی منظم مؤمنان در جهاد اشاره دارد و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُيُوتٌ مُرْصُوصَةٌ﴾ یعنی خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او چنان صف می‌بندند که گویی بنیانی سخت و استوارند. سوره

عبرتی برای همه انسان‌ها ذکر شده است. در سوره فجر آیات ۶ تا ۱۴، خداوند به عذاب عاد، ثمود و فرعون اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ... وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾ در سوره حاقه آیه ۴ نیز می‌فرماید: ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ﴾ سوره بروج آیات ۴ تا ۸ به داستان اصحاب اخدود اشاره دارد که به جرم ایمانشان در آتش سوزانده شدند. یکی از مهم‌ترین آیات در این حوزه، آیه ۲۱ سوره سجده است که می‌فرماید: ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِّ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ یعنی و قطعاً از عذاب نزدیک‌تر (دنوی)، غیر از عذاب بزرگ‌تر (اخروی) به آنان می‌چشانیم، شاید که بازگردند. این آیه به صراحت از عذاب ادنی (کوچک‌تر) به عنوان وسیله‌ای برای بازگشت و پیشگیری از عذاب بزرگ‌تر یاد کرده است. همچنین، سوره رعد آیه ۲۵، عذاب و لعنت را برای کسانی که پیمان خدا را می‌شکنند و در زمین فساد می‌کنند، وعده داده است. سوره انفال آیه ۲۵ نیز هشدار می‌دهد: ﴿وَأَتَقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ یعنی از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد و بدانید که خداوند سخت‌کیفر است.

قانون جزای افغانستان با الهام از این آموزه‌ها، نظامی از مجازات‌ها و تدابیر را پیش‌بینی کرده که اهداف عبرت‌آموزی و هشدار را دنبال می‌کند. ماده ۱۴۵ قانون جزا (احوال مخففه قضایی) می‌فرماید: هرگاه محکمه در خلال رسیدگی به دعوی دریابد که اوضاع و احوال جرم و مجرم در جنایت ارتکاب‌شده ایجاب رأفت می‌نماید، می‌تواند جزاهای پیش‌بینی‌شده جنایت را تغییر دهد. این ماده با پذیرش تخفیف مجازات در شرایط خاص، نوعی بازگشت و اصلاح را تشویق می‌کند که با هدف قرآنی بازگشت از طریق عذاب ادنی همخوانی دارد. اهداف مجازات در قانون جزا نیز با پیش‌بینی اهداف بازدارندگی و اصلاح مجرم، به دنبال پیشگیری از تکرار جرم است. ماده ۱۷۰ قانون جزا (عفو عمومی) با ساقط کردن

فتح آیه ۴ نیز از نزول سکینه بر مؤمنان برای پیشگیری از سستی و تزلزل سخن گفته است. سوره توبه آیه ۴۱ نیز با عبارت ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ...﴾ بر آمادگی کامل برای جهاد تأکید دارد.

قانون جزای افغانستان با الهام از این آموزه‌های قرآنی، نظامی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را پیش‌بینی کرده است که هدف آن بازدارندگی و مقابله با تهدیدات پیش از وقوع است. جرائم علیه امنیت خارجی دولت (مواد ۱۷۳ تا ۲۰۳) شامل جرم‌انگاری جاسوسی (ماده ۱۷۶)، همکاری با دولت دشمن (ماده ۱۷۷)، افشای اسرار دفاعی (ماده ۱۷۸ و ۱۷۹)، خرابکاری (ماده ۱۸۰) و تضعیف روحیه ملی (ماده ۱۸۲) است. این مواد با تعیین مجازات‌های سنگین مانند اعدام و حبس دوام، به دنبال بازدارندگی از هرگونه تهدید علیه امنیت کشور هستند. جرائم علیه امنیت داخلی (مواد ۲۰۴ تا ۲۵۳) شامل جرم‌انگاری قیام مسلحانه (ماده ۲۰۴ و ۲۰۸)، منقلب ساختن رژیم (ماده ۲۰۵)، تجاوز علیه حیات رئیس‌جمهور (ماده ۲۰۶)، تحریک به جنگ داخلی (ماده ۲۱۰) و تشکیل گروه‌های مسلح (ماده ۲۱۳) است. ماده ۲۰۸ قانون جزا می‌فرماید: شخصی که اردو یا مردم افغانستان را به قیام مسلح علیه دولت افغانستان دعوت نماید... به اعدام محکوم می‌گردد. ماده ۲۱۳ قانون جزا نیز برای رهبری دسته جنایتکاران مسلح مجازات اعدام پیش‌بینی کرده است. آیه ۶۰ سوره انفال که بر آماده‌سازی نیرو تأکید دارد، در قوانین نظامی افغانستان مانند قانون جزای عسکری نیز بازتاب یافته است. این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان با الهام از آموزه‌های قرآنی، یک نظام بازدارنده و پیشگیرانه در برابر تهدیدات امنیتی طراحی کرده است.

در حالی که قانون جزای ۱۳۵۵ جرایم علیه امنیت را با نگاه سستی جرم‌انگاری می‌کرد، نظام جدید با ادغام تشکیلات قضایی و امنیتی، یک «سیستم بازدارندگی یکپارچه» ایجاد کرده است. تشکیلات «محاكم نظامی» تحت نظر «ستره محکمه» (حکم شماره ۱۵۵۸۷)

و انحلال محاکم نظامی وزارت دفاع پیشین، نشان از تمرکز قدرت قضایی در یک ساختار متمرکز دارد. «فرمان انحلال ریاست عمومی مبارزه با جرائم سنگین فساد اداری» (حکم شماره ۱۲۱۵) و تفویض اختیارات آن به «محکمه نظامی» و «ریاست عمومی تحقیقات جرائم جنائی»، نشان می‌دهد که پیشگیری از جرم و بازدارندگی، دیگر تنها از مسیر قوانین کیفری، بلکه از طریق «تصفیه نهادی» و «پالایش اداری» نیز دنبال می‌شود. این رویکرد، بازدارندگی را از سطح فردی به سطح ساختاری و تشکیلاتی ارتقا می‌دهد.

پیشگیری از طریق تربیت و مراقبت خانوادگی

قرآن کریم با تأکید بر تربیت صحیح و مراقبت از خانواده، یک سازوکار پیشگیرانه درون‌خانوادگی ایجاد کرده است که از ریشه‌های فساد و جرم جلوگیری می‌نماید. آیه ۶ سوره تحریم یکی از مهم‌ترین آیات در حوزه پیشگیری از فساد در خانواده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ یعنی ای مؤمنان! خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. این آیه، والدین را مسئول تربیت و مراقبت از خانواده می‌داند و این مسئولیت را به‌عنوان یک اصل پیشگیرانه مطرح می‌کند. سوره لقمان آیات ۱۲ تا ۱۹، وصایای لقمان به فرزندش را شامل توحید، اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر بر مصائب، فروتنی و پرهیز از تکبر و صدای بلند بیان کرده است. سوره طه آیه ۱۳۲ به پیامبر(ص) دستور می‌دهد: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ یعنی خانواده خود را به نماز فرمان بده و خود بر آن شکیبا باش. سوره مریم آیه ۵۹ هشدار می‌دهد که جانشینانی پس از پیامبران آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند. سوره طلاق آیات ۱ تا ۷ به رعایت عدالت در خانواده و احکام طلاق و نفقه پرداخته است. سوره نور آیه ۳۲ نیز تشویق به ازدواج را به‌عنوان راهی برای پیشگیری از گناه مطرح کرده است: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ

عَبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ» یعنی افراد بی‌همسر خود را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح خود را نیز همسر دهید.

قانون جزای افغانستان با الهام از این آموزه‌های قرآنی، نظامی از حمایت‌های کیفری از خانواده را پیش‌بینی کرده است. ماده ۳۵۵ قانون جزا (امتناع از محافظت از عاجز) می‌فرماید: شخصی که به‌حکم قانون یا موافقه به محافظت شخصی که به سبب صغر سن یا شیخوخیت یا حالت صحت یا روحی و یا عقلی عاجز باشد مکلف شناخته شود، بدون عذر معقول از ادای وجبیه خود امتناع ورزد، به حبس قصیر... محکوم می‌گردد. این ماده، والدین و سرپرستان را در قبال محافظت از فرزندان و افراد عاجز مسئول می‌داند. ماده ۳۵۷ قانون جزا (عدم تسلیم طفل) می‌فرماید: شخصی که متکفل طفلی بوده و بعد از مطالبه شخص دیگری که به اساس قرار یا حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او انتقال یافته، طفل را به وی تسلیم نکند، به حبس قصیر... محکوم می‌گردد. ماده ۳۵۸ قانون جزا در مورد (رها کردن طفل در محل غیرمسکون) می‌فرماید: اگر شخصی طفل یا عاجز را در محل غیرمسکون رها نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد... اگر به اثر ارتکاب جرم... مجنی‌علیه معلول یا فوت گردد... به جزای پیش‌بینی شده ضرب منجر به معلولیت یا مرگ محکوم می‌شود. ماده ۳۵۹ قانون جزا در رابطه با (امتناع از ادای نفقه) می‌فرماید: هرگاه بالای یک شخص به‌منظور ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول یا فروع وی... حکم واجب‌التنفيذ محکمه صادر شده باشد، تا مدت یک ماه بعد از ابلاغ حکم با وجود قدرت به ادای آن از تأدیه آن امتناع ورزد، به حبس قصیر... محکوم می‌گردد. این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان با الهام از آموزه‌های قرآنی، از نهاد خانواده حمایت کرده و سرپرستان را در قبال تربیت و مراقبت از اعضای خانواده مسئول دانسته است. همچنین، ماده ۴۳۰ قانون جزا (تحریک به فسق و فجور) که به پیشگیری از انحرافات اخلاقی در خانواده اشاره دارد، مصداق دیگری از این رویکرد است.

قانون جزای ۱۳۵۵ با مواد ۳۵۵ تا ۳۵۹، حمایت مالی و نگهداری از اعضای خانواده را جرم‌انگاری کرده بود. اما قوانین جدید، با تکمیل این نگاه، به دنبال «تربیت دینی» و «سبک زندگی» خانواده نیز هستند. «فرمان مربوط به حجاب شرعی» (حکم شماره ۱۹۳۰) و «هدایت در مورد حقوق زنان» (فرمان شماره ۸۳/ج ۱) مصادیق عینی این رویکرد هستند. در نظام جدید، «پیشگیری از جرم» صرفاً به معنای جلوگیری از فعل مجرمانه نیست، بلکه به معنای «پیشگیری از هرگونه انحراف از هنجارهای شرعی» تعریف شده است. بنابراین، نظارت بر پوشش زنان، برخورد با بیننده فیلم‌های غیراخلاقی (ماده ۳۷ و ۵۹ اصول‌نامه جزایی) و تأکید بر نقش تربیتی خانواده در چارچوب شریعت، به‌عنوان مهم‌ترین راهکارهای پیشگیرانه در حوزه خانواده تلقی می‌شوند.

پیشگیری از طریق آگاهی‌بخشی، علم و تدبیر

قرآن کریم با تأکید بر علم، دانش، تفکر و تدبیر، یک سازوکار پیشگیرانه فرهنگی-آموزشی ایجاد کرده است که جهل و نادانی را به‌عنوان ریشه فساد و جرم هدف قرار می‌دهد. نخستین آیه نازل‌شده بر پیامبر(ص)، سوره علق آیات ۱ تا ۵ است که بر خواندن و آموختن تأکید دارد: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ یعنی بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید، بخوان و پروردگارت کریم‌ترین است، کسی که با قلم تعلیم داد، به انسان آنچه را که نمی‌دانست آموخت. سوره قلم آیه ۱ نیز با سوگند به قلم آغاز شده است: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾. سوره انبیاء آیه ۷ به مردم دستور می‌دهد که از اهل علم بپرسند: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾. سوره روم آیه ۳۰ بر فطرت الهی و پیروی از آن تأکید دارد: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾. سوره ملک آیات ۳ و ۴ به تفکر در خلقت و نظم آفرینش دعوت می‌کند: ﴿مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُتُورٍ﴾. سوره غاشیه آیات

۱۷ تا ۲۰ نیز به تفکر در شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین دعوت می‌کند. سوره زمر آیه ۹، عالمان را با نادانان مقایسه کرده و برتری آنان را بیان داشته است. سوره تین آیات ۱ تا ۴ نیز به تفکر در هدف آفرینش انسان پرداخته است.

قانون جزای افغانستان با الهام از این آموزه‌های قرآنی، بر آگاهی‌بخشی و علم به عنوان ابزار پیشگیری تأکید دارد. ماده ۵ قانون جزا می‌فرماید: بی‌خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی‌شود. این ماده با فرض آگاهی عمومی از قوانین، بر ضرورت آموزش حقوقی و آگاهی‌بخشی به شهروندان تأکید دارد. این فرض، هرچند از منظر عدالت کیفری با چالش‌هایی مانند عدم دسترسی به قوانین در مناطق دورافتاده مواجه است، اما نشان از اهمیت آگاهی در پیشگیری از جرم دارد. ماده ۲۰۰ قانون جزا (اطلاع‌دهی و همکاری با دستگاه قضایی) می‌فرماید: هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم... به مأمورین ضبط قضائی اطلاع و شهرت کامل مرتکبین یا شرکای جرم را به دسترس مأمورین ضبط قضائی قرار دهد... محکمه می‌تواند احوال مخفیه را در مورد او رعایت کند. این ماده با تشویق به همکاری با دستگاه قضایی، آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان در پیشگیری از جرم را ارتقا می‌دهد. نظام آموزشی افغانستان نیز با آموزش مهارت‌های زندگی، آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها و آشنایی با قوانین، به عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل می‌کند. همچنین، انتشار احکام محکومیت از طریق رسانه‌ها (ماده ۱۲۰ قانون جزا) نمونه‌ای از آگاهی‌بخشی عمومی و عبرت‌آموزی است. این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان با الهام از آموزه‌های قرآنی، آگاهی‌بخشی و علم را به عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم به رسمیت شناخته است. تحقق کامل این هدف نیازمند تقویت نظام آموزشی، دسترسی همگانی به قوانین و فرهنگ‌سازی عمومی است.

در قانون ۱۳۵۵، آگاهی‌بخشی عمدتاً به معنای فرض آگاهی از قانون (ماده ۵) و تشویق به همکاری با دادگستری (ماده ۲۰۰) بود.

اما در نظام جدید، این مفهوم با رویکرد «دین‌آموزی اجباری» و «جلوگیری از بدعت» پیوند خورده است. بر اساس «فرمان منظوری نصاب تحصیلی» (حکم شماره ۴۲۷/ج ۱)، دولت جدید به طور مستقیم در محتوای آموزشی دانشگاه‌ها مداخله کرده و بر تعلیم «ثقافت اسلامی» و «آموزش فقه حنفی» تأکید دارد. ماده ۲۸ اصول‌نامه جزایی جدید، کوتاهی علما و معلمان در آموزش احکام ضروری را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. همچنین، ماده ۲۷ این اصول‌نامه، «نشر بدعت» را جرم تلقی کرده و آن را در ردیف جرایم علیه امنیت فرهنگی و اجتماعی قرار می‌دهد. این رویکرد، آگاهی‌بخشی را از یک ابزار پیشگیرانه، به یک «سرمایه‌گذاری امنیتی-فرهنگی» برای تثبیت نظام تبدیل کرده است.

بررسی جامع آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که پیشگیری از جرم در شش سطح متفاوت ترسیم شده است که هر یک از آن‌ها، سازوکاری منحصر به فرد برای جلوگیری از وقوع جرم و فساد ارائه می‌دهند. نخستین و بنیادی‌ترین سطح، پیشگیری از طریق تحریم مقدمات با رویکرد «لا تقربوا» است که در آیاتی مانند سوره انعام آیه ۱۵۱ و سوره اسراء آیه ۳۲ تجلی یافته و فراتر از نهی از خود عمل، زمینه‌ها و مقدمات آن را هدف قرار می‌دهد. این رویکرد در قانون جزای افغانستان از طریق نهادهایی مانند شروع به جرم (ماده ۲۹)، شرکت در جرم (ماده ۳۹)، اتفاق در جرم (ماده ۴۹) و جرم‌انگاری تشکیل دسته‌های جنایتکاران مسلح (ماده ۲۱۳) بازتاب یافته است. قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های قرآنی، رفتارهای مقدماتی و زمینه‌ساز جرم را جرم‌انگاری کرده، هرچند در عمل با چالش‌هایی مانند تشخیص مرز میان اعمال مقدماتی و شروع به اجرا مواجه است که نیازمند معیارهای عینی و رویه قضایی منسجم می‌باشد.

قرآن در سوره آل عمران آیات ۱۰۴ و ۱۱۰، سوره توبه آیه ۷۱ و سوره مائده آیه ۷۹ آن را به عنوان یک وظیفه جمعی و همگانی

قرآن در سوره تحریم آیه ۶، سوره لقمان آیات ۱۲ تا ۱۹ و سوره طه آیه ۱۳۲، والدین را مسئول تربیت و مراقبت از خانواده دانسته و این مسئولیت را به عنوان یک اصل پیشگیرانه مطرح کرده است. در قوانین افغانستان، این آموزه در مواد ۳۵۵ (امتناع از محافظت از عاجز)، ۳۵۷ (عدم تسلیم طفل)، ۳۵۸ (رها کردن طفل در محل غیرمسکون) و ۳۵۹ (امتناع از ادای نفقه) قانون جزا بازتاب یافته است. همچنین، قرآن با تأکید بر علم و دانش در سوره علق، سوره قلم و سوره انبیاء، آگاهی بخشی را به عنوان ابزاری برای مبارزه با جهل که ریشه فساد و جرم است، معرفی کرده است. ماده ۵ قانون جزا که بی خبری از احکام قانون را عذر نمی داند، و ماده ۲۰۰ که اطلاع دهی و همکاری با دستگاه قضایی را تشویق می کند، مصادیق این رویکرد در نظام حقوقی افغانستان هستند. با این حال، تحقق کامل این اهداف نیازمند تقویت نظام آموزشی، دسترسی همگانی به قوانین و فرهنگ سازی عمومی است که در شرایط کنونی افغانستان با موانع جدی مانند فقر، بی سواد و محدودیت های دسترسی به اطلاعات مواجه می باشد.

نتیجه گیری

قرآن کریم با ارائه یک نظام چندسطحی و جامع از پیشگیری از جرم، فراتر از رویکردهای صرفاً تنبیهی و واکنش محور، راهبردهای متنوعی را برای جلوگیری از وقوع جرم در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی ترسیم کرده است. این نظام پیشگیرانه که مبتنی بر ارزش های اخلاقی، کرامت انسانی و عدالت است، با رویکرد «لا تقربوا» مقدمات جرم را هدف قرار می دهد، با نظارت عمومی و امر به معروف، مسئولیت همگانی در قبال فساد را ایجاد می کند، با عبرت آموزی و هشدار، بازدارندگی روانی را به کار می گیرد، با آمادگی دفاعی، تهدیدات خارجی و داخلی را مدیریت می کند، با تربیت خانوادگی، ریشه های انحراف را در بنیادی ترین نهاد اجتماعی می زند و با آگاهی بخشی علمی، جهل و نادانی را به عنوان عامل اصلی جرم و فساد هدف قرار می دهد. این

معرفی کرده است. این سازوکار نظارتی، با ایجاد مسئولیت اجتماعی در قبال انحرافات و فساد، از وقوع جرم در سطح جامعه جلوگیری می کند. در قوانین افغانستان، این آموزه در نهاد وزارت امر به معروف و نهی از منکر، ماده ۱۲۱ قانون جزا در خصوص تدابیر امنیتی، و مواد ۲۳۴ و ۲۳۵ که تحریک و تشویق عمومی به ارتکاب جرم را جرم می داند، تجلی یافته است.

قرآن با ذکر سرنوشت اقوام پیشین مانند عاد، ثمود و فرعون در سوره هود، سوره فجر و سوره حاقه، و نیز با اشاره به عذاب ادنی (دنوی) در سوره سجده آیه ۲۱، یک سازوکار روانی-تربیتی برای بازدارندگی از جرم ایجاد کرده است. این رویکرد در نظام کیفری افغانستان از طریق ماده ۱۴۵ قانون جزا در خصوص احوال مخففه قضایی، ماده ۱۷۰ در باب عفو عمومی، و تدابیر امنیتی اصلاحی مانند حجز در درمانگاه های امراض روانی (ماده ۱۲۳) بازتاب یافته است. همچنین، اهداف مجازات در قانون جزا با پیش بینی اهداف بازدارندگی و اصلاح مجرم، به دنبال پیشگیری از تکرار جرم هستند. این نظام کیفری، هرچند از ظرفیت های قرآنی بهره گرفته است.

قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال با عبارت «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» بر آمادگی دائمی و ارباب دشمن به عنوان راهبرد پیشدستانه تأکید کرده است. این رویکرد در قوانین کیفری افغانستان در بخش جرائم علیه امنیت خارجی (مواد ۱۷۳ تا ۲۰۳) شامل جرم انگاری جاسوسی، همکاری با دولت دشمن، افشای اسرار دفاعی و خرابکاری، و نیز جرائم علیه امنیت داخلی (مواد ۲۰۴ تا ۲۵۳) از جمله قیام مسلحانه، منقلب ساختن رژیم و تحریک به جنگ داخلی، تجلی یافته است. قانون گذار با تعیین مجازات های سنگین مانند اعدام و حبس دوام، به دنبال بازدارندگی از هرگونه تهدید علیه امنیت کشور است. این نظام بازدارنده، هرچند با آموزه های قرآنی همخوانی دارد.

رویکرد جامع نشان می‌دهد که اسلام نه تنها به مجازات جرم، بلکه به پیشگیری از آن در سطوح مختلف حیات فردی و اجتماعی توجهی بنیادین داشته است.

نظام حقوقی کیفری افغانستان، هرچند به صراحت و به طور نظام‌مند از مفهوم پیشگیری از جرم در قرآن الهام نگرفته، اما در مواد متعدد قانون جزا و سایر قوانین موضوعه، نهادها و سازوکارهایی را پیش‌بینی کرده است که با آموزه‌های قرآنی همخوانی قابل توجهی دارند. نهادهایی مانند شروع به جرم، شرکت در جرم، اتفاق در جرم، تدابیر امنیتی، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، حمایت‌های کیفری از خانواده و نظام مجازات‌های بازدارنده و اصلاحی، همگی نشان از تأثیرپذیری قانون‌گذار افغانستان از شریعت اسلامی و به‌ویژه آموزه‌های قرآنی دارد.

ارکان و اصول پیشگیری که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله احتمال معقول، نزدیکی خطر، مستند بودن تهدید، اصل تناسب، قانونمندی و نظارت قضایی، با اصول حقوقی مدرن در حوزه پیشگیری از جرم همخوانی کامل دارد. این هم‌افزایی میان مبانی قرآنی و اصول حقوقی نوین، نشان از ظرفیت بالای شریعت اسلامی برای ارائه چارچوبی حقوقی و اخلاقی برای پیشگیری از جرم در جوامع معاصر دارد. قاعده فقهی «درء المفسدات اولی من جلب المصالح» که از آیه ۲۱۹ سوره بقره استنباط می‌شود، با اصل تناسب و اصل حداقل‌ترین مداخله در حقوق مدرن هماهنگ است. همچنین، تأکید قرآن بر لزوم استناد به علم و آگاهی در اقدامات نظارتی (آیات «لا تجسسوا» و «لا تقف ما لیس لک به علم») با الزامات حقوق بشری در حوزه حریم خصوصی و دادرسی عادلانه همخوانی دارد. این هم‌افزایی می‌تواند مبنایی برای تدوین یک نظام حقوقی بومی و کارآمد در افغانستان باشد که ضمن احترام به ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه، با موازین بین‌المللی حقوق بشر نیز سازگار باشد.

تحقق یک نظام پیشگیرانه کارآمد در افغانستان، فراتر از اصلاح قوانین، نیازمند تحول در سه سطح ساختاری، نهادی و فرهنگی است. در سطح ساختاری، نیاز به بازنگری جامع در قوانین کیفری و تدوین یک قانون مستقل و منسجم در زمینه پیشگیری از جرم احساس می‌شود که معیارهای عینی برای سنجش حالت خطرناک، حدود اختیارات نهادهای نظارتی و تضمین‌های دادرسی عادلانه را مشخص کند. در سطح نهادی، تقویت ظرفیت‌های نهادهایی مانند وزارت امر به معروف و نهی از منکر، دادستانی، پلیس و نهادهای محلی از طریق آموزش تخصصی، تأمین منابع مالی و شفافیت در فرایندها ضروری است. در سطح فرهنگی، نیاز به فرهنگ‌سازی عمومی در زمینه آگاهی از قوانین، مسئولیت اجتماعی در قبال پیشگیری از جرم، و ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی که قرآن بر آن تأکید دارد، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این تحول سه‌سطحی می‌تواند به کاهش چشمگیر جرائم، افزایش احساس امنیت در میان شهروندان و کاهش بار مالی بر دوش نظام عدالت کیفری و جامعه منجر شود.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، باید گفت که قرآن کریم با ارائه یک نظام شش‌سطحی از پیشگیری، جابجایی بنیادین و جامع برای این مفهوم ترسیم کرده است که فراتر از رویکردهای صرفاً تنبیهی، تمام ابعاد حیات فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی را در برمی‌گیرد. این نظام پیشگیرانه در قوانین کیفری افغانستان به صورت پراکنده و ناقص بازتاب یافته است و هرچند قانون‌گذار از بسیاری از آموزه‌های قرآنی الهام گرفته، اما در عین حال، ظرفیت‌های قابل توجهی در قوانین موجود برای تقویت رویکرد پیشگیرانه وجود دارد که با اصلاحات قانونی، نهادی و فرهنگی قابل بهره‌برداری است.

قرآن کریم پیشگیری از جرم را بر شش رکن اساسی استوار کرده است: تحریم مقدمات با رویکرد «لا تقربوا» که در آیات متعددی از جمله سوره انعام آیه ۱۵۱ و سوره اسراء آیه ۳۲ تجلی یافته

هستند. در سطح آگاهی بخشی، مواد ۵ (عدم پذیرش بی خبری از قانون) و ۲۰۰ (اطلاع دهی و همکاری با دستگاه قضایی) و نیز انتشار احکام محکومیت از طریق رسانه ها (ماده ۱۲۰) قرار دارند. این مصادیق نشان می دهد که قانون گذار افغانستان، از ظرفیت های غنی قرآنی در زمینه پیشگیری از جرم بهره گرفته است.

مهم ترین چالش های اجرایی در سه سطح قابل تحلیل هستند: در سطح قانون گذاری، فقدان یک چارچوب منسجم و نظام مند برای پیشگیری از جرم، پراکندگی مواد قانونی، ابهام در تعاریف و معیارها، و عدم شفافیت در فرآیندهای نظارتی از جمله موانع اصلی هستند. در سطح نهادی، ضعف ساختاری و مالی نهادهای نظارتی و پیشگیرانه، فقدان تخصص قضایی و پلیسی در حوزه پیشگیری، عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، و غلبه رویکرد تنبیه محور بر رویکرد پیشگیرانه، چالش های جدی را ایجاد کرده اند. در سطح فرهنگی، فقر و بی سواد، بی اعتمادی عمومی به نهادهای دولتی، ضعف فرهنگ قانون مداری و عدم آگاهی شهروندان از حقوق و مسئولیت های خود، از موانع اصلی تحقق یک نظام پیشگیرانه کارآمد هستند. راهکارهای عملی برای تقویت این رویکرد شامل تدوین یک قانون جامع و منسجم در زمینه پیشگیری از جرم با تکیه بر آموزه های قرآنی و تجارب موفق بین المللی، ایجاد معیارهای عینی برای سنجش حالت خطرناک و حدود اختیارات نهادهای نظارتی، تقویت ظرفیت های نهادی از طریق آموزش تخصصی و تأمین منابع مالی، ایجاد سازوکارهای نظارت قضایی مؤثر بر اقدامات پیشگیرانه، فرهنگ سازی عمومی در زمینه آگاهی از قوانین و مسئولیت اجتماعی در قبال پیشگیری از جرم، و ترویج ارزش های اخلاقی و دینی در سطح جامعه می شود. همچنین، بهره گیری از ظرفیت های نهادهای محلی و مردمی در فرآیند پیشگیری، ایجاد سیستم های هشدار سریع و ارزیابی خطر، و تقویت همکاری میان نهادهای قضایی، امنیتی و اجتماعی از دیگر راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند.

است؛ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر که در سوره آل عمران آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ و سوره توبه آیه ۷۱ به عنوان یک وظیفه جمعی معرفی شده است؛ عبرت آموزی و هشدار که با ذکر سرنوشت اقوام پیشین در سوره هود و سوره فجر و نیز عذاب ادنی در سوره سجده آیه ۲۱ محقق می شود؛ بازدارندگی و آمادگی دفاعی که در آیه ۶۰ سوره انفال با تأکید بر ارباب دشمن ترسیم شده است؛ تربیت و مراقبت خانوادگی که در سوره تحریم آیه ۶ و سوره لقمان آیات ۱۲ تا ۱۹ والدین را مسئول حفظ خانواده از انحرافات معرفی کرده است؛ و آگاهی بخشی علمی که در سوره علق، سوره قلم و سوره انبیاء بر علم و دانش به عنوان ریشه کن کننده جهل و فساد تأکید دارد. این شش سطح، یک نظام پیشگیرانه جامع و چندبعدی را شکل می دهند که تمامی عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی مؤثر در وقوع جرم را پوشش می دهد و از هرگونه نگاه تقلیل گرایانه به پدیده جرم فراتر می رود.

قانون جزای افغانستان (مصوب ۱۳۵۵) با الهام از آموزه های قرآنی، نهادهای حقوقی متعددی را برای پیشگیری از جرم پیش بینی کرده است که هر یک با سطوح شش گانه قرآنی همخوانی دارند. در سطح تحریم مقدمات، مواد ۲۹ (شروع به جرم)، ۳۹ (شرکت در جرم)، ۴۹ (اتفاق در جرم) و ۲۱۳ (تشکیل دسته های جنایتکاران مسلح) قابل شناسایی هستند. در سطح نظارت عمومی، مواد ۱۲۱ (تدابیر امنیتی)، ۲۳۴ و ۲۳۵ (تحریک و تشویق عمومی به ارتکاب جرم) و نیز نهاد وزارت امر به معروف و نهی از منکر قرار دارند. در سطح عبرت آموزی و هشدار، مواد ۱۴۵ (احوال مخففه قضایی)، ۱۷۰ (عفو عمومی) و ۱۲۳ (حجز در درمانگاه های امراض روانی) قابل ذکر هستند. در سطح بازدارندگی دفاعی، جرائم علیه امنیت خارجی (مواد ۱۷۳ تا ۲۰۳) و امنیت داخلی (مواد ۲۰۴ تا ۲۵۳) مصداق دارند. در سطح تربیت خانوادگی، مواد ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹ و ۴۳۰ قانون جزا که به حمایت از خانواده و مسئولیت سرپرستان در قبال اعضای خانواده می پردازند، قابل شناسایی

از فرامین و اصول‌نامه‌های خود، به دنبال تحقق عینی «جامعه امر به معروف و نهی از منکر» و یک «نظام قضایی متمرکز و شریعت‌محور» است. این تفاوت نگرش، نه تنها بر قوانین، بلکه بر نهادهای قضایی، امنیتی و حتی آموزشی کشور تأثیر گذاشته و سیمای پیشگیری از جرم را در افغانستان متحول ساخته است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Crime prevention has become a central concern in contemporary criminal law and criminology because modern legal systems increasingly seek to intervene before criminal conduct is fully realized rather than relying exclusively on punishment after the commission of an offense. Within Islamic legal thought, however, this preventive orientation is not a recent development; rather, it is deeply rooted in Qur'anic teachings and the broader normative structure of Sharia. The Qur'an contains a multilayered preventive framework that addresses the causes, circumstances, preliminary acts, social conditions, and moral environments conducive to criminality. Concepts such as enjoining good and forbidding evil, avoiding the preliminaries of prohibited conduct, preventing probable harm, learning from the consequences suffered by previous communities, defensive preparedness, family supervision, and the promotion of knowledge collectively constitute a comprehensive model of prevention. Contemporary scholarship has similarly emphasized that Islamic criminal policy encompasses not only punitive mechanisms but also preventive, moral, institutional, and social strategies designed to reduce opportunities for wrongdoing and encourage conformity with legal and religious norms (Durojaye, 2024). In the Afghan context, the

با توجه به یافته‌های پژوهش، تحول نظام حقوقی افغانستان پس از سال ۱۴۰۰، نه یک تحول تدریجی، بلکه یک «تغییر پارادایم» بوده است. در نظام پیشین (مبتنی بر قانون جزای ۱۳۵۵)، پیشگیری از جرم در چارچوب یک نظام حقوقی ترکیبی (اسلامی-مدرن) و با رویکردی «واکنش‌گرا و اصلاحی» طراحی شده بود. اما در نظام جدید، پیشگیری از جرم به معنای عام آن، به یک «راهبرد امنیتی-فرهنگی» برای حفظ یکپارچگی نظام و صیانت از ارزش‌های شرعی تبدیل شده است. گفته می‌توانیم که نظام حقوقی پیشین در تلاش استفاده از ظرفیت‌های قرآنی بود، اما نظام جدید با بهره‌گیری

relevance of such an approach is particularly significant because Afghanistan's legal order has historically combined Islamic jurisprudence, especially Hanafi jurisprudence, with codified criminal legislation. The evolution of criminal policy in Afghanistan demonstrates a continuing interaction between religious norms and statutory rules, while recent transformations have intensified the role of religiously grounded mechanisms of social control and criminalization (Rohani et al., 2026). Accordingly, the present study seeks to provide a comprehensive analysis of crime prevention in the Qur'an and to examine how its principal preventive dimensions have been reflected in Afghanistan's criminal laws during two distinct legal periods: the statutory criminal justice framework centered on the 1976 Penal Code and the legal-regulatory framework developed under the Islamic Emirate after 2021. The study adopts a descriptive-analytical and qualitative method based on thematic interpretation of Qur'anic verses, legal analysis of Afghanistan's criminal legislation, and comparative examination of preventive institutions. Particular attention is devoted to determining whether Qur'anic principles of prevention have been systematically incorporated into Afghan criminal law, identifying areas of convergence and divergence, and assessing the

transformation of preventive criminal policy from a predominantly reactive and corrective model toward a more expansive security-oriented and culturally regulatory framework. The first major dimension identified in the Qur'anic framework is prevention through restricting the preliminaries and environments of criminal or immoral conduct. The Qur'anic formulation "do not approach" prohibited acts establishes a preventive logic that extends legal and moral concern beyond completed offenses to conduct and circumstances that facilitate their occurrence. This principle is reflected in verses prohibiting approaching adultery, immoral conduct, and other harmful acts, and it is conceptually related to the broader jurisprudential principle that preventing harm takes precedence over securing benefits. From the perspective of modern criminal law, such an approach resembles the criminalization of attempts, participation, conspiracy, preparatory acts, and other conduct situated before completion of the principal offense. Afghanistan's 1976 Penal Code incorporated several mechanisms of this kind, including attempt, participation in crime, criminal agreement, and the formation of armed criminal groups. These provisions demonstrate that Afghan criminal legislation did not restrict liability entirely to completed offenses but recognized the legitimacy of intervention at earlier stages of criminal conduct. The general structure of the 1976 Penal Code confirms that Afghan criminal law sought to organize liability for preliminary and participatory criminal behavior within a statutory framework (Hosseini, 1976). Related scholarship has also emphasized that the structure of criminal liability in Afghanistan includes multiple forms of participation and concurrence intended to address conduct that contributes to criminal outcomes before or alongside their completion (Amini, 2022). Under the post-2021 legal order, however, the

preventive scope has expanded beyond conventional preparatory acts. New decrees and regulatory instruments have increasingly targeted forms of ideological, communicative, cultural, and institutional conduct considered capable of generating insecurity or undermining the governing order. In this sense, prevention has moved from a relatively conventional legal concern with proximate criminal preparation toward a broader concept of anticipated risk. This shift parallels the wider "preventive turn" observable in contemporary criminal law, in which legal systems increasingly regulate risk, dangerousness, and conduct preceding tangible harm (Melander, 2023). Yet such preventive expansion raises fundamental questions concerning legality, precision, evidentiary thresholds, and the distinction between genuine threat prevention and overly broad restriction of lawful conduct. The Qur'anic emphasis on verification, knowledge, and avoidance of unjustified suspicion suggests that preventive intervention must remain tied to evidence, proportionality, and demonstrable risk rather than abstract or speculative assumptions.

A second major Qur'anic dimension is prevention through public supervision and the institution of enjoining good and forbidding evil. Qur'anic verses assign individuals and communities a collective responsibility to encourage socially approved conduct and discourage harmful or prohibited behavior. This creates a form of participatory social prevention in which the control of wrongdoing is not confined to state institutions but is also embedded within communal responsibility. In the Afghan legal and institutional context, this preventive principle has been reflected most visibly in religious and supervisory bodies concerned with public morality, religious observance, and social conduct. Research on Afghanistan has emphasized the preventive potential of religious institutions and

community-based religious mechanisms in reducing certain forms of criminal and socially harmful conduct (Ansari & Asghari, 2025). At the same time, Afghanistan's criminal justice institutions have historically exercised preventive functions through prosecutorial supervision, police powers, security measures, and judicially authorized interventions. Prosecutorial preventive measures, particularly those connected with detention, investigation, and safeguarding criminal procedure, have been identified as an important component of Afghanistan's criminal justice system, although deficiencies remain concerning the clarity, diversity, and legal regulation of such measures (Haqqani et al., 2025). The post-2021 legal framework has substantially strengthened the administrative and executive dimensions of public supervision by institutionalizing the Ministry for the Promotion of Virtue and Prevention of Vice and by integrating morality regulation into the broader security and governance structure. In this model, public supervision has developed from a primarily moral and religious obligation into an institutional mechanism with administrative, disciplinary, and in some cases punitive consequences. This development also reflects the increasing role of religious norms in shaping patterns of criminalization and decriminalization within Afghan criminal justice (Rohani et al., 2026). Nevertheless, the operation of preventive supervision requires careful legal boundaries. A system based on broad surveillance may reduce opportunities for certain offenses, but it may also generate tensions with privacy, personal autonomy, and procedural guarantees if the criteria for intervention are insufficiently precise. The Qur'anic prohibition of unwarranted spying and action without knowledge establishes an internal normative limitation on preventive supervision, indicating that collective responsibility must not become a justification

for arbitrary intrusion. Thus, the preventive value of public supervision depends on its conformity with evidentiary standards, legal certainty, proportionality, and mechanisms capable of reviewing the actions of supervisory institutions.

A third category of Qur'anic crime prevention is based on deterrence, warning, and learning from the fate of previous peoples, alongside the use of defensive preparedness as a strategy for preventing aggression and social disorder. Qur'anic narratives concerning earlier communities frequently present punishment and destruction as lessons designed to prevent repetition of destructive conduct, while other verses emphasize preparedness and the capacity to deter hostile actors before aggression occurs. These ideas correspond to both general deterrence and security-oriented prevention in modern criminal policy. The Afghan Penal Code incorporated this logic through severe sanctions for crimes against internal and external security, including espionage, cooperation with hostile actors, disclosure of defense secrets, armed rebellion, incitement to civil conflict, and the organization of armed criminal groups. The preventive rationale of these provisions rests not only on punishment after the offense but also on discouraging conduct capable of threatening the political and security order. At the same time, the code contained security measures and corrective mechanisms intended to reduce future risk and facilitate the rehabilitation or control of offenders, reflecting a mixture of deterrent and reformative objectives (Hosseini, 1976). More recent developments have strengthened this security dimension through the closer integration of judicial, military, and security institutions, the creation of specialized commissions, and the use of detention and investigation mechanisms justified by anticipated threats. The broader criminological literature on prevention

recognizes that risk management has increasingly become a major component of criminal justice systems, particularly where authorities intervene on the basis of perceived dangerousness rather than completed harm (Melander, 2023). Within Afghanistan, the preventive role of newly established supervisory and non-contentious institutions has also been analyzed as part of a broader reorganization of the legal system and its crime-prevention capacities (Kariminia & Fasihi, 2022). However, deterrence-based prevention creates significant legal concerns if dangerousness is not defined through objective criteria or if preventive detention and security measures are insufficiently controlled by independent judicial review. The Qur'anic framework itself combines deterrence with justice and proportionality; consequently, a Sharia-based preventive system cannot be reduced to coercive capacity alone. Effective deterrence requires predictable rules, clearly defined offenses, lawful procedures, and sanctions proportionate to the gravity and immediacy of the threat.

The fourth and fifth dimensions of the Qur'anic model concern family-based prevention and prevention through knowledge, education, and awareness. The family occupies a foundational position in Qur'anic social ethics because parents and guardians are assigned responsibility for moral education, religious instruction, discipline, protection, and the development of socially responsible behavior. Crime prevention therefore begins before formal intervention by police or courts and is embedded in the formation of individual character within the household. Afghanistan's criminal legislation has reflected this concern through provisions protecting children, dependent persons, spouses, and other vulnerable family members, including rules concerning abandonment, maintenance,

guardianship, and the failure to provide legally required protection. At the same time, research has identified tensions and inconsistencies within Afghanistan's legislative and judicial criminal policies concerning offenses against the family, indicating that protective norms have not always been implemented through a coherent criminal policy (Shafahi & Gerayli, 2023). The post-2021 legal order has expanded the preventive role attributed to the family by connecting family responsibility with religious instruction, dress, morality, and conformity with prescribed social norms. Prevention therefore extends beyond protection against physical or economic harm and increasingly includes cultural and moral regulation. The Qur'an also places extraordinary emphasis on knowledge, reflection, consultation with persons of learning, and the rejection of action based on ignorance. From a preventive perspective, education reduces the social conditions that enable crime by improving legal awareness, strengthening moral reasoning, and enhancing individual capacity to recognize and avoid harmful behavior. The Afghan legal order has reflected this principle through the assumption that ignorance of the law does not excuse criminal conduct, through rules encouraging cooperation with criminal justice authorities, and through broader educational and institutional policies. Islamic criminal justice scholarship has also emphasized that justice requires a legal order in which punishment, prevention, and moral responsibility are connected to intelligible norms and legitimate processes (Nur, 2021). Recent Afghan reforms have linked education more directly with religious instruction and cultural regulation, transforming educational policy into an instrument of preventive governance. This approach illustrates how crime prevention can move beyond police and courts into educational curricula, religious institutions, and cultural policy. Yet

educational prevention is most effective when it is based on accessibility, legal literacy, social participation, and the development of informed responsibility rather than merely coercive compliance. Studies of Afghanistan's criminal policy demonstrate that effective prevention also requires broader institutional conditions such as transparency, judicial independence, legal clarity, and public trust, because increasing punishment alone does not necessarily reduce criminality (Yosufzad et al., 2025). Similarly, decriminalization and the rational limitation of penal intervention remain important dimensions of Islamic criminal policy and can prevent the excessive expansion of criminal law into areas better addressed through social, educational, or administrative measures (Etemadi, 2023).

In conclusion, the findings demonstrate that the Qur'an presents a comprehensive and multidimensional model of crime prevention that extends considerably beyond punishment and encompasses the prevention of criminal preliminaries, public supervision, moral responsibility, deterrence, family education, defensive preparedness, knowledge, and social awareness. These dimensions reveal a preventive philosophy in which criminal conduct is addressed at multiple stages, beginning with the formation of individual attitudes and social environments and continuing through institutional supervision, legal intervention, and deterrent mechanisms. Afghanistan's criminal law has incorporated many elements compatible with this Qur'anic framework, particularly through provisions concerning attempt, participation, security measures, crimes against internal and external security, protection of the family, public order, and cooperation with criminal justice institutions. Nevertheless, under the 1976 Penal Code these mechanisms remained fragmented and were not organized within a unified preventive theory. The legal transformation after 2021 represents a

significant shift in the nature of crime prevention. The new framework increasingly combines judicial, security, religious, administrative, educational, and cultural mechanisms and treats prevention as a broader strategy for protecting both public security and the normative integrity of the governing system. This transformation has expanded the institutional reach of preventive criminal policy, but it has also intensified the need for clear legal limits. An effective preventive model for Afghanistan therefore requires a carefully structured balance between Sharia-based preventive principles and fundamental legal guarantees, including legality, proportionality, evidentiary reliability, judicial oversight, human dignity, privacy, and citizens' rights. Future reform should seek to consolidate preventive provisions within a coherent legal framework, define objective standards for dangerousness and preventive intervention, strengthen the professional capacity and accountability of supervisory institutions, improve coordination among judicial, security, social, and local bodies, and expand legal education and public awareness. A preventive criminal justice system capable of integrating Qur'anic principles with modern legal safeguards would provide a more coherent foundation for reducing crime, strengthening social order, protecting individual rights, and enhancing the legitimacy and effectiveness of criminal justice in Afghanistan.

References

- Amini, S. A. (2022). Ideal Concurrence of Offenses in the Criminal Laws of Iran and Afghanistan. *Legal Discourse*, 10(20), 5-27.
- Ansari, H., & Asghari, M. R. (2025). The Role of Religious Centers in Preventing Certain Crimes in Afghanistan. *Judicial Jurisprudence Findings*, 4(2), 55-73.
- Durojaye, D. (2024). Introducing the Islamic Crime Prevention Framework (ICPF): A Theoretical Study. *Al-Hikmah Journal of Islamic Studies*, 12(1), 157-170.
- Etemadi, N. A. (2023). Decriminalization in Islamic Criminal Policy and the Laws of Afghanistan.

Islamic Studies and Criminal Law and Criminology, 8(2), 47-66.

- Haqqani, J. A., Sherzad, M. H., & Gheyasi, B. (2025). Prosecutorial Preventive Measures in the Criminal Procedure Law of Afghanistan. *Kateb International Journal of Law*, 3(2).
- Hosseini, M. B. (1976). *Afghanistan Penal Code*.
- Kariminia, M. M., & Fasihi, E. (2022). Emerging Institutions Responsible for Non-Contentious Affairs in Afghanistan and Their Role in Crime Prevention. *Contemporary Research in Sciences and Research*, 4(38), 92-109.
- Melander, S. (2023). Preventive Turn in Criminal Law. *Peking University Law Journal*, 11(1), 11-23.
- Nur, M. T. (2021). Justice in Islamic Criminal Law: Study of the Concept and Meaning of Justice in the Law of Qisas. *Asy-Syir'ah: Jurnal Ilmu Syari'ah dan Hukum*, 55(2), 335-365.
- Popal, M., Javan Jafari Bojnourdi, A., Hosseini, S. H., & Seyedzadeh, S. M. (2023). Situational Crime Prevention Methods for Banking Crimes in the Afghan Banking System. *Judicial Legal Perspectives*, 28(103), 77-104.
- Rohani, A. J., Esmaili, M., & Tadayyon, A. (2026). The Role of Religion in Shaping Patterns of Criminalization and Decriminalization in Islamic Criminal Justice Systems: A Comparative Study of Iran and Afghanistan. *Legal Studies in Digital Age*, 5(3), 1-12.
- Shafahi, A., & Gerayli, M. B. (2023). Incompatibility of Afghanistan's Legislative and Judicial Criminal Policy Regarding Crimes against the Family. *Studies in Islamic Jurisprudence and Foundations of Law*, 17(47), 191-215.
- Yosufzad, S., Esmaili, M., & Tadayyon, A. (2025). Iran's Criminal-Judicial Policy toward Financial Crimes Committed by Public Officials: A Comparative Study with Afghanistan. *Journal of Historical Research, Law and Policy*, 1-14.